

ترس از جرم در مشهد: ميزان و عوامل

دکتر سيد مهدي سيدزاده ثاني ✉

استاديار گروه حقوق دانشگاه فردوسي مشهد

سعید کرمانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

چکیده:

امروزه یکی از مسائل برجسته و مهم در تحقیقاتی که در حیطه بزه دیده‌شناسی در کشورهای مختلف دنیا بدان پرداخته می‌شود بحث ترس از جرم است، که به عقیده برخی به اندازه خود جرم اهمیت دارد، اما پدیده ترس از جرم موضوعی بسیار پیچیده است که میزان و عوامل آن در هر شهر یا منطقه ممکن است متفاوت باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان و عوامل موثر بر ترس از جرم در دو منطقه شهر مشهد صورت پذیرفته است. روش این پژوهش به صورت پیمایشی و از نوع همبستگی است که برای توصیف داده‌ها از روش آمار توصیفی میانگین و برای آزمون سوالات از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جامعه آماری آن تمامی افراد ساکن در دو منطقه ۹ و ۴ شهر مشهد بودند که از میان آنها نمونه‌ای ۲۲۸ نفره با استفاده از فرمول کوکران، از دو منطقه انتخاب شد. برای روش نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای که ترکیبی از روش‌های طبقه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده است استفاده شد. نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که ترس از جرم در میان افراد منطقه ۴، بیش از افراد منطقه ۹ بود. عوامل موثر بر ترس از جرم در این دو منطقه عبارت بودند از: بی‌سازمانی اجتماعی، عدم رضایت از پلیس و تنوع خرده فرهنگی. از سوی دیگر میان نقش رسانه‌ها و پیوند اجتماعی افراد دو منطقه رابطه معکوس بود، بدین معنا که پیوند اجتماعی در میان ساکنان منطقه ۴ قوی‌تر بود و میزان پیگیری اخبار حوادث میان ساکنان منطقه ۴ کمتر از افراد منطقه ۹ بود.

کلید واژه‌ها: ترس از جرم، بی‌سازمانی اجتماعی، پیوند اجتماعی، رسانه، رضایت از پلیس، جنسیت.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسؤول:

seyyedzadeh@yahoo.com

بحث ترس از جرم (fear of crime) موضوعی بسیار پیچیده است، آقای فرستنبرگ (Furstenberg) در سی و اندی سال پیش درباره ترس از جرم اظهار نظری نموده‌اند که هنوز هم آنرا می‌توان حاصل جمع یافته‌های محققان در خصوص ترس از جرم در سال‌های اخیر دانست: "رابطه جرم با عواقب آن نه روشن است و نه ساده". گرچه تحقیق‌های بسیار زیادی در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها در خصوص زوایای مختلف ترس از جرم صورت پذیرفته، و در پرتو این یافته‌ها، برخی از زوایای ترس از جرم روشن شده است، ولی گفته فوق همچنان مصون از ایراد باقی مانده است (سیدزاده ثانی، ۱۳۸۷: ۳۴۰). ابتدا تصور بر آن بوده است که ترس از جرم رابطه مستقیمی با خود جرم دارد و دیگر اینکه کسانی که سابقه بزه‌دیدگی دارند یا به عبارتی بزه‌دیدگان مکرر ترس از جرم بیشتری دارند، اما با توجه به پژوهش‌های بیشتری که صورت گرفت بطران این دو فرضیه به اثبات رسید، یعنی اینکه افزایش جرایم همیشه باعث افزایش ترس از جرم نمی‌گردد و یا کاهش جرایم همیشه باعث کاهش ترس از جرم نمی‌گردد (Kifer, 2004: 1)، و دیگر اینکه تنها جرایم نیستند که باعث افزایش ترس از جرم می‌گردند؛ بلکه برخی از افراد با وجود آنکه قربانی هیچ جرمی نبوده‌اند، باز هم احساس ناامنی و ترس از جرم می‌کنند (Gray, Jackson and farrall, 2008: 2).

ترس از جرم به مانند خیلی از مباحث دیگر حوزه جرم‌شناسی و علوم اجتماعی معانی گوناگونی دارد و میان اندیشمندان این حوزه تعریفی واحد در این باره ارائه نشده است. به نظر می‌رسد که جامع و مانع‌ترین تعریفی که درباره ترس از جرم ارائه شده است، تعریفی از لاگرانژ (LaGrange) و فرارو (Ferraro) است، آنها ترس از جرم را اینگونه تعریف نموده‌اند: "ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی وحشت (Dread) و دلهره (Anxiety) نسبت به جرم و یا نمادهای آن مرتبط است" (Donder, 2009: 5). در این تعریف تمامی ارکان ترس از جرم موجود است، اول اینکه ترس از جرم یک واکنشی احساسی است؛ با این قسمت، آن بخش از پاسخ منطقی افراد درباره ترس از جرم خارج می‌گردد. دیگر اینکه ترس از جرم به وسیله دو ویژگی وحشت و احساس دلهره نمود پیدا می‌کند، بدین معنا که هر نوع ترسی را نمی‌توان ترس از جرم دانست و باید دارای این دو ویژگی باشد. آخر اینکه ترس از جرم تنها برخاسته از خود جرم نیست، بلکه ممکن است هزاران دلیل داشته باشد، از یک همسایه پر سر و صدا گرفته تا ویژگی‌های محیطی و...

ترس از جرم تنها یک احساس نیست بلکه یک واقعیت است که با زندگی انسانها گره خورده است و آثار مخربی بر سیاست، اقتصاد، زندگی اجتماعی و سیاست جنایی کشورها دارد. ترس از جرم در حیطه پیشگیری از جرم نقش بسیار مهمی دارد؛ به نحوی که سازمان

ملل در پاراگراف سوم رهنمود پیشگیری از جرم، در تعریفی که برای پیشگیری از جرم ارائه داده ترس از جرم را از ارکان اصلی پیشگیری محسوب کرده است، این تعریف عبارتست از: پیشگیری از جرم مجموعه اقدامات و راهبردهایی است که به منظور کاستن از خطر ارتکاب جرم و تأثیرات بالقوه زینبار جرایم بر افراد و جامعه از جمله- ترس از جرم- انجام می‌گیرد و از طریق مداخله و یا تاثیر بر عوامل ایجاد کننده جرایم به انجام می‌رسد^۱ (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۳۷). همچنین ترس از جرم سبب افزایش میزان سزاگرایی^۲ و همچنین تصویب قوانینی سخت در کشورهای مختلف بوده است، در امریکا مسبب اصلی سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه‌ای نظیر قانون سه ضربه (Three strikes)^۳ و سیاست تسامح صفر (Zero Tolerance)^۴ افزایش ترس از جرم بوده است (نجفی ابرندآبادی و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). پژوهش حاضر به بررسی میزان و عوامل موثر بر ترس از جرم در دو منطقه شهر مشهد پرداخته است

۲. پیشینه پژوهش:

اگرچه نگرانی افراد درباره جرایم به قرن‌ها قبل مربوط می‌شود، اما ترس از جرم یک مفهوم نسبتاً جدید است؛ ترس از جرم برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ در روزنامه‌های آمریکایی برای توضیح واکنش مردم نسبت به رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار گرفت (A report commissioned in ireland, 2009: 6) در اروپا تا پیش از سال ۱۹۶۰ تحقیقی درباره موضوع ترس از جرم صورت نگرفته بود و برای اولین بار پس از یک نظرسنجی ملی در اواسط دهه ۶۰ میلادی در خصوص جرم به عنوان یک نگرانی ظهور کرد (Doran and

۱. برای مطالعه بیشتر میان ارتباط ترس از جرم و پیشگیری از آن بنگرید به جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۱)، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، نشر میزان.

۲. برای مطالعه بیشتر میان ارتباط ترس از جرم و سزاگرایی بنگرید به محمودی جانکی، فیروز و مرادی حسن آبادی، محسن (۱۳۹۰)، افکار عمومی و کیفرگرایی، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دو.

۳. برای مطالعه بیشتر بنگرید به جوانمرد، بهروز (۱۳۸۶)، قوانین سه ضربه و سپس اخراج، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۶ و ۱۷.

۴. برای مطالعه بیشتر بنگرید به آقایی‌نیا، حسین و جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم کیفری خرد در پرتو راهبرد تسامح صفر با تاکید بر حقوق کیفری ایران و امریکا، فصلنامه دانش انتظامی، شماره دوم ص ۷-۳۹.

۵. برای مطالعه بیشتر بنگرید به نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، تقریرات مباحثی در علوم جنایی، ویراست هفتم، قابل دسترسی در : <http://lawtest.ir>

Burgess, 2012: 1) افزودنی است، در ابتدا ترس از جرم به عنوان ابزاری برای شناسایی رقم سیاه جرم^۱ به کار می‌رفت.

در سال‌های اخیر، ادبیات علمی در خصوص ترس از جرم به سرعت در حال گسترش است، به گونه‌ای که میان سالهای ۱۹۹۳ و ۲۰۱۱ بیش از ۴۰۰ مقاله در رابطه با این موضوع در مجلات معتبر علمی و پژوهشی منتشر شده است (Ibid, p.5). بدین ترتیب با توجه به گستردگی تحقیقات انجام شده در کشورها درباره ترس از جرم برای آشنایی خوانندگان با تحقیقات انجام شده نمونه‌هایی از آنها به صورت مختصر ذکر می‌گردد:

اولین نظرسنجی مهمی که در زمینه ترس از جرم انجام گردید مربوط می‌شود به نظرسنجی عمومی درباره جرم که بوسیله اعضای از هیئت کمیسیون ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۶۷ تهیه شد، یافته‌های این نظرسنجی در یک جلد کتاب بزرگ تحت عنوان "چالش جرم در یک جامعه آزاد" (Challenge of crime in a free society) منتشر شد. این گزارش در استدلالی صریح ادعا کرد که ترس از جرم باعث فرسایش کیفیت زندگی آمریکایی‌ها است، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود، که در دو منطقه در آمریکا با آمار جرم بالا، ۴۳ درصد از پاسخ دهندگان به هنگام شب در خیابان احساس ترس می‌کنند، ۳۵ درصد به دلیل ترس با همسایگان خود صحبت نمی‌کنند، ۲۱ درصد به علت ترس در هنگام شب از اتومبیل یا تاکسی استفاده می‌کنند، ۲۰ درصد از پاسخ دهندگان اظهار کرده‌اند که می‌خواهند محل سکونت خود را به دلیل ترس از جرم تغییر دهند (Ibid, p.1).

بورا و کارکچ (Borooah and Carcach) در تحقیقی با عنوان "جرم و ترس"، ارتباط متغیرهای مختلف را با ترس از جرم مورد توجه قرار داده‌اند و در نهایت بیان داشته‌اند که رابطه بزه‌دیدگی قبلی با ترس از جرم ضعیف است. به موجب یافته‌های این پژوهش رابطه میان این دو متغیر در جرایم علیه اشخاص ضعیف تر از جرایم علیه اموال بوده است. چکیده یافته‌های پژوهش‌های خارجی در زمینه ترس از جرم را می‌توان در دو دسته جرایم علیه اشخاص و جرایم خانگی بیان نمود.

الف) چکیده یافته‌ها در جرایم علیه اشخاص :

- تجارب قبلی بزه‌دیدگی در زنان ترس بیشتری را در مقایسه با مردان ایجاد می‌کند.

۱. عددی که نسبت بین بزهکاری حقیقی و بزهکاری قانونی یا قضایی را نشان می‌دهد در آمار جنایی رقم سیاه یا رقم مخفی یا رقم تاریک خوانده می‌شود.

- در صورت بروز بزه‌دیدگی، جوانان بیشتر از کهنسالان ترس از جرم را تجربه می‌کنند.
- سوابق قبلی بزه‌دیدگی در افرادی که در منازل اجاره‌ای دولتی زندگی کرده و یا محل سکونت خود را جرم‌خیز می‌دانند، بیشتر ایجاد ترس می‌کند.
- زندگی در یک محله ثروتمند، و دارای شرایط مناسب اجتماعی و پیوستگی اجتماعی بالا، از تأثیرات بعدی بزه‌دیدگی می‌کاهد.

ب) چکیده یافته‌ها در جرایم خانگی^۱:

- در صورت وجود سوابق قبلی بزه‌دیدگی جوانان صاحب خانه، بیش از سالمندان دارای خانه ترس از جرم خواهند داشت.
- در میان افرادی که در منازل اجاره‌ای زندگی می‌کنند، بزه‌دیدگی مکرر در افرادی که در مناطق پرخشونت زندگی می‌کنند، ترس از جرم بیشتری ایجاد می‌کند. بنابراین، مستأجرینی که در مناطق برخوردار و مرفه زندگی می‌کنند، در مقایسه وضعیت بهتری دارند.
- افرادی که در خانه به صورت مجردی و تنها زندگی کرده و به کار یا تحصیل تمام وقت مشغول هستند، بیش از افرادی که با دیگران در یک خانه زندگی می‌کنند، ترس از جرم را تجربه می‌کنند.
- سوابق قبلی بزه‌دیدگی در افرادی که در منازل اجاره‌ای دولتی زندگی کرده و یا محل سکونت خود را جرم‌خیز می‌دانند، بیشتر ایجاد ترس می‌کند (به نقل از سیدزاده ثانی، ۱۳۸۷: ۳۵۳ و ۳۵۴).

کلارک هارتمن در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان "عوامل موثر بر ترس از قربانی شدن" دست به یک پژوهش میدانی زده است، که جامعه نمونه وی ۱۳۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه یانگستون بوده است. وی متغیرهایی را برای ترس از جرم تعیین کرده است و آنها را بوسیله پرسشنامه مورد سنجش قرار داده است، این متغیرها عبارتند از: درک فرد از جرم، رسانه، جنسیت، سن، نژاد، درآمد و تحصیلات. البته متغیر اصلی که وی بر روی آن تأکید بیشتری داشته است، تأثیر رسانه‌ها بر ترس از جرم بوده است و نتیجه کلی وی تأیید این فرضیه بوده است که، کسانی که بیشتر اخبار مربوط به حوادث و جرایم را دنبال

۱. منظور از جرایم خانگی، جرایمی است که در حیطه منازل ارتکاب می‌یابد؛ نظیر سرقت از منازل، ورود غیر مجاز به منزل دیگری به قصد ارتکاب جرم (برگرایی) و یا شروع به این جرایم.

می‌نمایند، ترس بیشتری دارند از اینکه در آینده قربانی جرمی بشوند نسبت به افرادی که پیگیری کمتری نسبت به اخبار حوادث دارند^۱ (Hartman, 2011: 1-57).

در ایران، عمر تحقیقات درباره موضوع ترس از جرم بسیار کوتاه است و به یک دهه نمی‌رسد. علی‌خواه و ربیعی در تحقیقی با عنوان "زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری" به بررسی ترس از جرم در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران پرداخته‌اند. در این پژوهش که در آن از هر دو روش کمی و کیفی بهره گرفته شده است، داده‌های آن به دو طریق برگزاری جلسات گروهی با زنان در مناطق مختلف شهر و پرسشنامه که در بین ۸۰۰ نفر از زنان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران توزیع شده بود بدست آمده است. خلاصه نتایج پژوهش آنها این گونه بوده است که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نسبت به تهدید جرائم دچار ترس و واکنش‌اند. به بیان دیگر حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند. در بین زنان تحصیل کرده و دارای درآمد بالا، زنانی که در محله آنها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کمتر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند میزان ترس از جرم کمتر بوده است (علی‌خواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۳۱).

صادقی و میرحسینی، پژوهشی با همان موضوع را به روش کیفی انجام داده‌اند، بدین صورت که داده‌های آنها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۵۰ زن ۱۹ تا ۵۵ ساله شهر تهران بدست آمده است و نتیجه پژوهش آنها حاکی از آن بوده است که ترس زنان از جرم به شکل طردهای فضایی و اجتماعی تحقق می‌یابد و این ترس امری پیچیده است که در فرآیند زندگی اجتماعی و درک زنان از روابط و مناسبات قدرت جنسیتی شکل یافته و به صورت جدایی‌گزینی‌های فضایی نمایان می‌شود. همچنین مصاحبه‌های عمیق کیفی آنها نشان می‌دهد، نوع جامعه‌پذیری، تجربه خشونت، ترس از تجاوز جنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، عدم حمایت‌های قانونی، ترس از برچسب خوردن و عوامل دیگری چون مهاجرت، بارداری، غریبگی، بیماری و معلولیت، علل اصلی ترس زنان از جرم می‌باشد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۲۵).

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه تحقیقات ترس از جرم در دیگر کشورها بنگرید به:

-نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، بزه کاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲.

- پرفیت، آلن (۱۳۷۸)، پاسخ‌هایی به خشونت، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش.

خوراسگانی و همتی در تحقیقی با عنوان "تبیین جامعه شناختی ترس از جرم: مطالعه موردی شهروندان زنجان" به بررسی عوامل ترس از جرم به‌عنوان یک مسئله اجتماعی پرداخته‌اند. آنها معتقد بودند که ترس از جرم و ناامنی از عوامل متعددی در سطح خرد، میانه و کلان متأثر بوده و صرفاً مسئله‌ای امنیتی و انتظامی نمی‌باشد. آنها در تحقیقشان دو هدف عمده را دنبال می‌کردند: اول بررسی متون نظری و تجربی مرتبط با ترس از جرم و احساس ناامنی (جانی و مالی) دوم، تعیین میزان ترس از جرم و برخی عوامل موثر بر آن، یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که احساس ترس نسبتاً اندکی در میان پاسخگویان وجود دارد و عوامل فردی (مثل سن، جنس، درآمد خانوار و تحصیلات) در مقایسه با عوامل زمینه‌ای (تلقی از خطر قربانی شدن، رضایت از محل، نگرش به پلیس و منطقه سکونت) از توان تبیینی لازم برخوردار نیستند (خوراسگانی و همتی، ۱۳۸۸: ۵۸-۸۸).

احمدی و دیگران در تحقیقی با عنوان "ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز" در یک مطالعه پیمایشی به کمک پرسشنامه‌ای که توسط ۳۰۰ نفر از ساکنین دو محله جرم خیز شهر شیراز (محله احمدی نو و ده پیاله) صورت گرفت بود. دو منطقه‌ای که آنها مطالعه مورد بررسی قرار داده‌اند نیروی انتظامی و مسئولان شهری را زیاد به خود مشغول کرده بوده است. بسیاری از افرادی که در این محله‌ها زندگی می‌کردند مهاجرانی بودند که از استانهای دیگر و برخی از مناطق استان فارس به شیراز آمده بودند و پایگاه اقتصادی اجتماعی پایینی داشته‌اند. آنها دارای قومیت‌های متفاوتی مانند فارس، ترک، لر، عرب، کرد و بلوچ بودند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بوده است که از میان متغیرهای فردی، جنسیت رابطه معناداری با ترس از جرم داشته و مردان ترس از جرم را بیش از زنان گزارش کرده‌اند. سایر متغیرهای فردی (سن، تحصیلات، قومیت، درآمد و مالکیت منزل مسکونی) رابطه معناداری با ترس از جرم نداشته‌اند. از سوی دیگر متغیرهای مربوط به محله، از جمله بی‌نزاکتی، دلبستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله به شکل معناداری با ترس از جرم رابطه داشته‌اند. در رگرسیون چند متغیره نیز تنها متغیر بی‌نزاکتی وارد مدل شده و توانسته ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید (احمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۰-۶۵).

با جمع‌بندی پژوهش‌های محدود صورت گرفته در کشورمان و با عنایت به پژوهش‌های متعدد در دیگر کشورها و ابعاد گسترده و اهمیت وافر این موضوع، در این مقاله تلاش نگارندگان بر آن بوده که بتوانند خلا پژوهش میدانی در خصوص این موضوع در شهر مشهد تا حدودی برطرف گردد.

۳. چهارچوب نظری پژوهش:

در زمینه ترس از جرم نظریات گوناگونی وجود دارد که از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است. در این قسمت از مقاله سعی شده است تا مهمترین نظریات مطرح شده در این زمینه به طور خلاصه ارائه گردد!

۱.۳. متغیرهای جمعیت شناختی:

با توجه به مطالعات انجام پذیرفته متغیرهای جمعیت شناختی موثر بر ترس از جرم عبارتند از: سن، جنسیت، قومیت و نژاد، وضعیت تاهل، متوسط درآمد خانوار، تحصیلات؛ که در این قسمت به بررسی هریک از این متغیرها خواهیم پرداخت.

۱۲۶

۲.۳. سن:

دلایل بسیاری وجود دارد که بیان می‌کند با افزایش سن ترس افراد هم از جرایم بیشتر می‌گردد (Toseland, 1982: 203)، اما این فرضیه همیشه و در همه جا یکسان نیست و تا به امروز پژوهش‌های زیادی در رابطه با سن و تأثیرش بر ترس از جرم انجام پذیرفته و برخی یافته‌ها حاکی از این بوده است که افزایش سن با ترس افراد از جرم رابطه‌ای ندارد، به‌عنوان مثال در اکتبر ۲۰۰۲ تحقیقی در انگلستان بوسیله بخشی دولتی به نام نگرانی از سن انجام شده بود، که جامعه نمونه آن ۴۰۰۰ فرد مسن بودند و این پژوهش بوسیله پرسشنامه انجام شده بود، و هدفشان این بود که نگرانی آنها را درباره جرایم جویا شوند، نتایج این نظرسنجی حاکی از آن بود با وجود اینکه یک چهارم از پاسخ دهندگان جرم را یک مشکل بزرگ یا خیلی بزرگ در منطقه‌شان می‌دانستند، اما ۹۳ درصد اعلام کرده بودند که از زندگی در محله خود لذت می‌برند و ترس آنها از جرایم بسیار کم است. (Policy Unit Age Concern England, 2003:1).

متغیر سن در حیطه ترس از جرم بسیار پیچیده است، به این دلیل که هر پژوهشگری با توجه به یافته‌های علمی خود علت‌هایی متفاوت را برای ترس افراد مسن یا جوان ارائه می‌کند. عده‌ای دلایل ترس افراد مسن را این می‌دانند که با افزایش سن افراد از قدرت آنها کاسته می‌شود و توان دفاعی‌شان به هنگام حمله کمتر است، و عده‌ای دیگر می‌گویند که این افراد از توان مالی کمتری برخوردارند برای خرید سیستمها و دستگاههای محافظ و جلوگیری از جرایم و پاسخ به جرایم نسبت به جوانان (Liska and Reed, 1988: 828). اما

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه مباحث نظری ترس از جرم بنگرید به پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲)، احساس ناامنی و ترس از جرم، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، ص ۱۸۰-۱۵۵.

تحقیقات درباره ترس از جرم در میان سالمندان از اوایل دهه ۸۰ آغاز گردید و ابعاد دیگری را در این بحث روشن ساخت. مطالبی مانند اینکه رابطه سن و ترس از جرم تنها محدود به میزان آن نیست و میان نوع جرایم به اقتضای سن افراد و میزان ترس هم تفاوت وجود دارد (Beaulieu and Leclerc, 2004: 122). لاگرانژ و فرارو استدلال می‌کنند زمانی که ما یک جرم خاص را معیار قرار می‌دهیم ترس افراد مسن ممکن است کمتر از همتایان جوان خودشان باشد، اما هنگامی که جرمی دیگری را معیار قرار داده‌ایم، ممکن است افراد مسن ترس بیشتری داشته باشند نسبت به جوانان؛ به عنوان مثال، اگر تحقیق ما درباره جرم سرقت باشد، در این صورت ترس افراد مسن بیشتر است، اما اگر همین پژوهش را در رابطه با جرم تجاوز جنسی انجام دهیم میزان ترس افراد مسن بسیار کمتر از جوان‌ترها است (Gialopsos, 2011: 54). به هر حال نتایج متناقضی در رابطه با متغیر سن و ترس از جرم وجود دارد، و هر پژوهش تنها به پیچیدگی متغیر افزوده است.

۳.۳. جنسیت:

در نظریات فمینیستی دو رویکرد مهم قابل شناسایی می‌باشد که عمدتاً ریشه در سنت انتقادی علوم اجتماعی دارد و ترس را در مناسبات سیاسی، اجتماعی و قدرت جستجو می‌کند. در این رویکرد تمرکز اصلی بر منزلت اجتماعی زنان است و این اعتقاد وجود دارد که به حاشیه راندن زنان یا کنار گذاشتن آنها و همچنین فرودستی آنان بر احساس عدم امنیت‌شان می‌افزاید. فرودستی زنان نسبت به مردان به صورت‌های مختلف جلوه می‌کند. از جمله:

۱. فرودستی منزلتی و اجتماعی زنان، به سبب نقش و جایگاهی که نسبت به مردان دارند. یکی از عوامل مهمی که فرودستی زنان را در جوامع امروزی تبیین می‌کند، نحوه جامعه‌پذیری و اعمال روش‌های متفاوت و متضاد تربیتی در هویت بخشی پسران و دختران می‌باشد که عمدتاً بر سلطه مذکر تاکید دارد و زنان را به عنوان «دیگران غیرمهم» و بعضاً نامرئی، به حاشیه روابط اجتماعی و ساختارها می‌کشانند. همان‌گونه که گیدنز نیز می‌گوید، انتظارات و الگوهایی که روابط جنسیتی از طریق آنها نمود می‌یابد، در متن اجتماعی و توسط نهادهای اجتماعی خلق می‌گردد و بعد به افراد منتقل می‌شود. در واقع به واسطه فرآیند جامعه‌پذیری است که جنسیت به لحاظ اجتماعی شکل می‌گیرد و زنانگی مردانگی نمود می‌یابد و به قول سیمون دوبووار زن، زن بدنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود. منظور دوبووار از این سخن اشاره به نوع جامعه‌پذیری است که به برتری مردانه و فروتری زنانه تأکید دارد.

۲. فرودستی زنان به سبب استفاده از فرصت‌ها و امکانات عمومی شهر. موضوعی که برخی نویسندگان فمینیست به آن اشاره می‌کنند، این است که به لحاظ تاریخی، شهرها را

مردان ساخته و اداره کرده‌اند و در فرآیند برنامه‌ریزی و سازماندهی فضای شهری هم، نظیر سایر حوزه‌های زندگی، زنان در حاشیه قرار داشته‌اند و چهره شهرها به شدت مردانه است. به این معنا که امکانات کمتری برای حضور در شهر در اختیار زنان قرار می‌گیرد. برای مثال می‌توان به مشکلات مربوط به حمل و نقل شهری و عدم وجود امکانات برای زنانی که در هنگام حضور در شهر بچه‌های خردسال را همراه خود دارند، اشاره نمود (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

ترس زنان بنا بر تحقیقات متعددی که انجام پذیرفته بیشتر ناشی از جرایم جنسی است.^۱ زنان به ناگاه متوجه وجود این ترس در وجود خود نمی‌شوند، این ترس مادرزادی هم نیست، بلکه زنان در فرآیند جامعه‌پذیری خویش این ترس را فرا می‌گیرند. زنان می‌آموزند که اگر شب تنها از خانه خارج شوند، احتمال حمله به آنها وجود دارد. والدین، دوستان و رسانه‌های گروهی همه و همه در خدمت تقویت و نهادینه ساختن این ترس هستند (سیدزاده ثانی، ۱۳۸۷: ۳۴۶).

۴.۳. قومیت و نژاد:

پژوهش درباره تأثیر قومیت و نژاد بر ترس از جرم در کشورهای مختلف از دامنظر قابل بررسی است. اول اینکه افراد با قومیت و نژاد مختلف که در اقلیت بسر می‌برند نسبت به دیگران ترس بیشتری از جرایم دارند، و دیگر اینکه وجود این افراد خود باعث ترس بیشتر می‌گردد.

دیوید ایتل و جان تیلور (David Eitle and John Taylor) در پژوهشی که در امریکا انجام داده‌اند، یافته‌های آنان حاکی از آن بوده است که در مناطقی که در آن نژاد افریقایی امریکایی بیشتر است، ترس از جرم هم به همان نسبت بیشتر گزارش شده است (Eitle and Taylor, 2008: 103). آنها در ادامه عنوان کرده‌اند که این امر ممکن است مربوط به "برخورد نژاد محور با جرم" (racialization of crime) باشد، که در آن اقلیت‌ها به عنوان یک تهدید تلقی می‌گردند. در هر حال سفید پوستان امریکایی، افریقایی امریکایی‌ها،

1. see for example:

- Ferraro, K. F. (1996). Women's fear of victimization: Shadow of sexual assault?. Social Forces, 75(2), 667-690.

- Fisher, B. S., & Sloan, J. J., III. (2003). Unraveling the fear of victimization among college women: Is the "shadow of sexual assault hypothesis" supported? Justice Quarterly, 20(3), 633-659.

- Fox, K. A., Nobles, M. R., & Piquero, A. R. (2009). Gender, crime victimization, and fear of crime. Security Journal, 22(1), 24 - 39.

اسپانیایی تبارها و دیگر اقلیت‌های نژادی را به عنوان علل اصلی جرایم می‌دانند، که این امر به نوبه خود، ترس از قربانی شدن را افزایش می‌دهند (Jordanan Gabbidon, 2010: 282). با این حال تحقیقاتی هم بر خلاف یافته‌های عنوان شده وجود دارد که در آنها عنوان شده است که مردان غیر سفید پوست کمتر احساس امنیت می‌کنند نسبت به مردان سفیدپوست، و گفته‌اند که دلیل این ترس بیشتر، آن است که اکثریت اقلیت‌ها در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند و این محلات از بی‌سازمانی اجتماعی رنج می‌برند که این خود باعث می‌گردد که آنان ترس بیشتری نسبت به دیگران داشته باشند (Ibid).

۵.۳. وضعیت تاهل:

فرارو معتقد بود که نمی‌توان ادعا کرد که ترس از جرم در بین زنان بیشتر متعلق به جوانان است، این پدیده هم در جوانان و هم در پیران وجود دارد. آنچه که در این دو گروه متفاوت است دلایلی است که برای ترس از جرایم ابراز می‌دارند. فرارو معتقد است که احساس ناامنی و ترس در زنان جوان بیشتر تحت تأثیر ترس از تعرض جنسی است (علی‌خواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

در ادامه کار فرارو، وار نیز معتقد بود که زنان زیر ۳۵ سال عمدتاً نگران تجاوز جنسی هستند ولی وقتی که پا به سن می‌گذارند این ترس در آنها از بین نرفته و به شکل جدید، دوباره ظهور می‌یابد. از نظر وار در زنان پیر ترس از جرم ناشی از آسیب‌پذیری فزاینده آنان است (همان).

در مجموع با توجه به نظریات مختلف که در این متغیر وجود دارد، استدلال اصلی این نظریه آن است که خانم‌های متأهل به نسبت زنان مجرد ترس کمتری احساس می‌نمایند.

۶.۳. متوسط درآمد خانوار:

درباره درآمد، پژوهشی بوسیله جفری ویل و جان مک گراث انجام شده است که نشان می‌دهد، فقرا در مقایسه با ثروتمندان ترس بیشتری از جرم را تجربه می‌کنند. (Will and McGrath, 1995: 166). در پژوهش دیگری که کلارک هارتمن بر روی دانشجویان دانشگاه یانگستون انجام داده بود، متغییر میزان درآمد با ترس از جرم رابطه معناداری نداشته است (Hartman 2011: 25). در مجموع پژوهش زیادی در رابطه با تأثیر ترس از جرم بر درآمد انجام نشده است، اما شاید با جمع‌بندی این دو پژوهش بتوان گفت که، ترس افرادی که درآمدی نسبتاً پایین دارند از محیط زندگی آنها ناشی می‌گردد، چرا که اغلب این افراد در محله‌هایی زندگی می‌کنند که از اختلالات فیزیکی بالایی برخوردار است، به عنوان مثال:

این مکان‌ها از میزان جرایم بالایی برخوردار است یا اینکه این محلات از روشنایی کافی برخوردار نیست و... افرادی که در چنین محلاتی زندگی می‌کنند به دلیل بالا بودن میزان جرایم در محله‌شان ممکن است بخواهند که از وسایل و اقداماتی امنیتی بیشتری برای خود استفاده نمایند، اما توان مالی کافی برای خرید چنین ابزاری را دارا نیستند و همین موضوع باعث افزایش ترس این افراد می‌گردد.

۷.۳. تحصیلات:

سطح تحصیلات ممکن است نقش مهمی در ترس از جرم بازی کند. مطالعات در این زمینه نشانگر آن است که افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند ترس کمتری از جرایم دارند، و به نظر معقول است که تحصیلات را به‌عنوان یک شاخص مهم در سبک زندگی و سطح اجتماعی (life style and level of socializing) تلقی کنیم (Liska, Sanchirico, and Reed, 1988: 830) و همین کسانی که میزان تحصیلات بیشتری دارند، از درآمد بالاتری برخوردار هستند و همین موضوع باعث توانایی آنها می‌گردد تا از موقعیت‌هایی با خطر بالا اجتناب کنند، به عنوان مثال آنها محلاتی را برای زندگی انتخاب می‌کنند که از خطری کمتر برخوردار است (Hartman 2011: 13).

۸.۳. بی‌سازمانی اجتماعی:

ریشه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی (social disorganization) در مطالعات «لویس ورت» قرار دارد. ورت بر این عقیده بود که شمار زیاد جمعیت، تراکم بالا و ناهمگونی‌های قومی و نژادی در مناطق شهری، روابط انسانی سطحی، گذرا و گمنام تولید می‌کند (مالمیر، ۱۳۸۸: ۱۶۱). شاو و مک کی با افزودن دو متغیر دیگر که در برخی همسایگی‌های شهری یافت می‌شود، نظریه بی‌سازمانی محلی (community disorganization) را مطرح کردند (همان). در این نظریه الگوی مسکونی، تجاری و صنعتی سکونت شهری، یک الگوی بوم‌شناختی مناطق متحدالمرکز را تشکیل می‌دهد که از مرکز به طرف حاشیه خارجی شهر گسترش می‌یابد. درست در مجاورت هسته تجاری و بازرگانی شهر، یک منطقه گذار وجود دارد که از مسکونی به تجاری تغییر می‌کند. در این منطقه است که بالاترین نرخ بزهکاری مشاهده می‌شود (سلرز و آکرز، ۱۳۹۰: ۱۰۶). این منطقه گذار با زوال فیزیکی، خانه‌های ضعیف، خانواده‌های ناقص و در هم شکسته و جمعیت ناپایدار و ناهمگن مشخص می‌شود. در این منطقه نرخ رسمی بالای جرم و جنایت بزرگسالان، اعتیاد به مواد مخدر، الکلیسم و روسپیگری مشاهده می‌شود. تمام این شکل‌های انحراف و بی‌قانونی، پیامد بی‌سامانی اجتماعی در این منطقه

شهری دانسته می‌شود. جامعه‌شناسان شیکاگو، تأکید می‌کردند که ساکنان این ناحیه از نظر زیست‌شناختی یا روان‌شناختی غیرطبیعی نیستند، بلکه جرم و انحراف آنها، پاسخ طبیعی افراد به شرایط اجتماعی غیرطبیعی است. تحت این شرایط، سنت‌های جنایی و بزهکارانه ایجاد شده و به طور فرهنگی از یک نسل به نسل بعد انتقال می‌یابد. صنعتی شدن، شهرنشینی و تغییرات اجتماعی دیگر در جامعه مدرن، از سوی جامعه‌شناسان شیکاگو به عنوان علتی برای بی‌سامانی اجتماعی از طریق برهم زدن کنترل اجتماعی نظم و ارزش‌های اجتماعی سنتی دانسته شد (همان، ص ۱۰۶ و ۱۰۷)، که به تبع آن این مسائل منجر به افزایش ترس از جرم می‌گردد.

دیدگاه دیگری که در تبیین ترس از جرم و بی‌سامانی اجتماعی به کار می‌رود نظریه پنجره‌های شکسته است، این نظریه مبتنی بر آزمایشی است که در سال ۱۹۶۹ توسط یک روان‌شناس دانشگاه استنفورد آمریکا به نام آقای فیلیپ زیمباردو صورت گرفت (دادخدایی، ۱۳۸۸: ۴۸)؛ در ادامه ویلسون و کلینگ در یکی از مشهورترین مقاله‌های خود می‌گویند مردم نه تنها از جرم هراس دارند، بلکه در مورد اختلال و بی‌نظمی نیز دچار یک نوع ترس و وحشت هستند. اختلال می‌تواند هم به شکل افراد مخل باشد مانند: گروه‌های غیرقابل پیش‌بینی، گداها، معتادها، و نوجوانان جنجالی، فاحشه‌ها، تنبل‌ها و بیماران روانی؛ و هم می‌تواند به شکل شرایط فیزیکی مخل نظم باشد مانند: اموال متروکه، پنجره‌های شکسته، آشغال و مناطق عمومی خراب و ویران. این دو صاحب نظر بر این عقیده‌اند که اختلال، چرخه‌ای از نواقص را تولید می‌کند که می‌تواند هم مولد ترس باشد و هم مؤد جرم (مالمیر، ۱۳۸۸: ۱۶۱). در مجموع رویکرد پنجره شکسته با مفهوم ناامنی و ترس از جرم پیوندی عمیق دارند، و بیان می‌کند که اگر به مناطق فراموش شده و آشفته توجهی نشود، کنترل جامعه از دست خواهد رفت و محلات مذکور نسبت به جرم آسیب‌پذیر خواهند شد (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

۹.۳. تنوع خرده فرهنگی:

این رویکرد در بحث ترس از جرم منشعب از نظریه تورستن سلین است که آن را با مطالعه بر روی جرایم ارتكابی به وسیله شهروندان امریکایی ایتالیائی الاصل تدوین کرد. به موجب این نظریه بزهکاری ممکن است از ضدیت، رقابت، رویایی دو مقررره یا دو فرمان یا دو دستور اخلاقی ناشی از دو فرهنگ به وجود آید: فرهنگ حاکم و خرده فرهنگ (نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۰: ۴۱۲)، سلین آمریکا را به قلعه‌ای که همه چیز در آن هست تعبیر می‌کند. عده‌ای از مهاجران در آن قلعه حل شده و عده‌ای که دارای فرهنگ قوی هستند، حل

نمی‌شوند. آقای سلین می‌گوید که در این قلعه ملیت‌های مختلف هستند. پس مدل‌های مختلف منفک وجود دارد که متشکل از عوامل نامتناسج از نژادهای مختلف است (همان). مادریز نشان داد که چگونگی پیش‌داوری‌ها و پنداشت‌های افراد درباره‌ی تمایزات فرهنگی نژادی و همچنین منزلت مهاجران، ترس بیشتری را در افراد به وجود می‌آورد (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

استدلال این نظریه آن است که در اجتماعاتی که در آنها تنوع قومی و نژادی بسیاری وجود دارد و این اقوام هر یک بدون پیوند با کلیت اجتماع از آداب و رسوم خود پیروی می‌کنند ترس از جرم بالا خواهد رفت.

۱۰.۳. پیوند اجتماعی:

موضوع اصلی نظریه‌های جامعه‌شناختی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این بود که جامعه در حال دگرگونی از یک جامعه مبتنی بر روابط نخستین اجتماع کوچک و بسته و نیز مبتنی بر ارتباطات خونی، خویشاوندی و نزدیک به یک جامعه در حال تبدیل شدن به جامعه صنعتی تشکیل یافته از روابط ثانویه است. این دگرگونی، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و آثار عمیقی بر زندگی افراد باقی خواهد گذاشت (صدیق سروستانی و نیمروزی ۱۳۸۹: ۲۰۱).

در نتیجه رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت روزافزون روستاییان به شهرها ما شاهد تغییرات قابل توجهی در شهرها و روابط شهرنشینان بوده‌ایم. بررسی‌هایی که اندیشمندان مختلف علوم اجتماعی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که فردگرایی و ارزشهای فردگرایانه رو به توسعه است، که می‌توان گفت یکی از نتایج مشخص چنین تحولی ضعف در پیوندهای همسایگی و محلی است. افزون بر این غلبه فضای مجازی و توسعه روابط الکترونیک در شهرهای مدرن، علاوه بر اینکه گرمی روابط اجتماعی را در شهرها کاهش و زمینه بیگانگی جمعی را فراهم آورده، هویت‌های محلی از جمله همسایگی را شدیداً تضعیف نموده است (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۹). بی‌شک تضعیف این پیوند اجتماعی آثاری را در بر دارد، که شاید بتوان گفت یکی از این آثار افزایش ترس از جرم است.

۱۱.۳. تجربه بزه‌دیدگی:

یکی از مباحث کلیدی در حوزه ترس از جرم رویکرد تجربه بزه‌دیدگی است که پژوهشگران این حوزه آن را به تجربه‌های بزه‌دیدگی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نموده‌اند. بر اساس دیدگاه اول بین تجربه بزه‌دیدگی و ترس از جرم ارتباط مستقیمی وجود دارد. اما در رویکرد دوم صرف بزه‌دیدگی فرد ملاک اصلی ترس نیست، بلکه آگاهی مستمر از حوادث جرم و

ارتباط با قربانیان جرایم و همچنین مشابهت‌های جنسی، سنی، موقعیتی با فرد قربانی و قرار گرفتن در شرایط مشابه قربانیان جرایم، در افزایش ترس از جرم مؤثر می‌باشد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

۱۲.۳. رسانه:

مردم اطلاعات خود را درباره جرایم از منابع متعددی به دست می‌آورند، اما یکی از منابع مهم برای بدست آوردن اطلاعات رسانه‌هاست، امروزه رسانه‌ها یک راه قدرتمند محسوب می‌شوند برای انتقال پیام‌ها به شهروندان (Howard, 1999: 9).

رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده‌های جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند. این ابزارهای ارتباطی به سادگی می‌توانند از موضوعی کم اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و افکار عمومی را نسبت به پدیده‌ای خاص حساس کنند و یا برعکس از حادثه‌ای مهم، خبری خنثی و کم اهمیت بسازند. خبرنگاران، دبیران سرویس خبری روزنامه‌ها و مدیران مسئول تنظیم خبر و گزارش، با انتخاب موضوع و چگونگی انتقال این اطلاعات به مردم، نقش مؤثری در تعیین محدوده جرم و انحراف بازی می‌کنند. آنها با انتخاب حوادث جنایی و نحوه انعکاس آن، در واقع محدوده رفتارهای مجاز را تعریف و معیارهایی را در این زمینه به جامعه ارائه می‌کنند. بدین ترتیب رسانه‌ها از یک سو توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع رسانی مسئولانه و ترویج الگوهای زندگی سالم می‌توانند در کاهش وقوع جرم و تأمین احساس امنیت مؤثر باشند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۵۸).

۱۲.۳. پلیس:

ترس از جرم یکی از موضوعات بسیار مهم در سالیان متمادی در سازمان‌های پلیسی کشورهای مختلف بوده است، به عنوان مثال، ترس از جرم بیش از دو دهه است، تقریباً از سال ۱۹۸۰ در راس اولویت‌های پلیس در ایالات متحده آمریکا است و بسیاری از مدیران پلیس این فرض را پذیرفته‌اند که کاهش ترس از جرم یک هدف مهم است (Cordner, 2010: v).

رویکردی که تبیین کننده ترس از جرم و نقش پلیس است، رویکرد پلیس جامعه محور (Community Policing) است. الگوی سنتی پلیس به تدارک یکنواخت منابع پلیس و بر قدرت پلیس در اجرای قانون و مقررات اتکاء دارد که به منظور جلوگیری از جرم، بی نظمی

در سراسر حوزه استحفاظی و در اکثر جرائم به کار برده می‌شود. علی‌رغم تداوم اعتماد اکثر ادارات پلیس به این الگوی سنتی، شواهد کمی موجود است که این الگو در کنترل جرم و بی‌نظمی یا در کاهش ترس از جرم، اثربخش باشد (ویزبرد، ۱۳۸۸: ۱۳۴). در دو دهه گذشته، بیشترین سرمایه‌گذاری عمده بر بخش پلیس و جامعه در روش‌های جامعه‌محوری پلیس بوده است. به دلیل این که پلیس جامعه‌محور تاکتیک‌های متفاوت زیادی به کار می‌برد، تأثیرات آن همانند یک راهبرد عمومی قابل اندازه‌گیری نیست. روی هم رفته، شواهدی که نشان دهد روش‌های پلیس جامعه‌محور بر جرم و بی‌نظمی تأثیر مناسبی داشته، وجود ندارد. البته شواهد معتبری، توانایی تاکتیک‌های پلیس جامعه‌محور را در کاهش ترس از جرم نشان می‌دهد (همان، ۱۳۸ و ۱۳۹). شواهد بیشتری نشان می‌دهند وقتی که برنامه‌ها و شیوه‌ها، بر افزایش ارتباطات پلیس با جامعه متمرکز می‌شوند، سطح ترس جامعه کاهش می‌یابد. مجموعه مطالعات شبه تجربی نشان داده‌اند که راهبردهای پلیس جامعه‌محور که با ارتباطات مستقیم پلیس با شهروندان توصیف می‌شوند، مانند گشت‌های قراردادی شهروندان، ایستگاه‌های پلیس جامعه‌محور، روش‌های هماهنگ جامعه‌محوری پلیس، ترس از جرم را بین افراد و سطح نگرانی شهروندان در خصوص احتمال وقوع جرم در محیط اطرافشان را کاهش می‌دهد (همان، ۱۴۰). پژوهش‌های متعددی درباره نگرش شهروندان به پلیس و ترس از جرم انجام پذیرفته است که برخی حاکی از نتایج متناقض بوده‌اند، به عنوان نمونه برخی از تحقیقات حاکی از آن است که نگرش منفی شهروندان نسبت به پلیس باعث افزایش ناامنی شهروندان می‌گردد (Winesburg-Ankrom, 2010: 50).

شکل ۱. خلاصه مدل نظری عوامل موثر بر ترس از جرم



۴. روش پژوهش:

در این پژوهش چهارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی (Documentary Method) تهیه شده است و روش پاسخ‌گویی به گویه‌های پرسشنامه به روش پیمایشی (Survey Method) صورت پذیرفته است. وجود پیشینه نظری مختص ترس از جرم و جامعه مورد مطالعه از عواملی هستند که موجب انتخاب این دو روش برای این پژوهش گردیده‌اند. منابع مورد استفاده پژوهش شامل کتب و مقالات مربوط به موضوع، استفاده از آمارنامه‌ها، آمارقضایی جرایم و پرسشنامه بوده است.

جامعه آماری این پژوهش تمامی افراد دارای سن بیشتر از ۱۸ سال بودند که حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۸ نفر تعیین گردید. برای تعیین افراد نمونه از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (multistage sampling) استفاده شد، که در این روش با توجه به عناصری همچون وسعت و پراکندگی دو منطقه و حجم خانوار برای بهبود فرآیند مشخص‌سازی نمونه، نمایان‌ترین روش نمونه‌گیری برای انجام این پیمایش برگزیده شد. شیوه آن بدین صورت بود که در مرحله اول ابتدا با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (stratified sampling)، هریک از دو منطقه به ناحیه‌هایی تقسیم شد. سپس مرحله دوم از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (cluster sampling) استفاده شد، بدین صورت که نقشه مناطق تهیه شده و تمام بلوک‌ها مشخص شده و هربخش به عنوان خوشه در نظر گرفته شده‌اند. پس از آن در مرحله سوم داخل خوشه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (simple random sampling) واحدهای نمونه انتخاب شد و در مرحله نهایی برای تنوع در افراد نمونه، انتخاب افراد بوسیله محقق صورت پذیرفت، که در جدول شماره ۱ مراحل نمونه‌گیری نشان داده شده است.

جدول ۱. مراحل نمونه‌گیری

مراحل	نوع	هدف
اول	طبقه‌ای	تقسیم منطقه ۹ به نواحی سه گانه
		تقسیم منطقه ۴ به نواحی چهار گانه
دوم	خوشه‌ای	انتخاب یک بخش
سوم	تصادفی ساده	انتخاب خانوار
چهارم	محقق	انتخاب فرد

جمعیت نمونه کلیه ساکنان دو منطقه ۴ و ۹ شهر مشهد بودند، که با توجه به عدم دسترسی به سرشماری که در سال ۱۳۹۰ انجام پذیرفته بود از برآورد تقریبی جمعیت آمارنامه سال ۱۳۹۰ شهرداری مشهد استفاده گردید، که در آن جمعیت منطقه ۴، ۲۴۶/۸۷۱ و جمعیت منطقه ۹، ۳۲۹/۵۶۲ نفر برآورد شده بود (آمارنامه شهر مشهد، ۱۳۹۰: ۶). که در مجموع جمعیت دو منطقه ۵۷۶/۴۳۳ بود.

ابزار گردآوری داده‌ها بوسیله پرسشنامه بوده که سوالات آن از پیمایش‌های مختلفی که در مورد ترس از جرم در کشورمان و دیگر کشورها انجام پذیرفته اقتباس گردیده بود، در مجموع ۴۷ گویه برای متغیرها در پرسشنامه طراحی شد، که همه گویه‌ها کمی بود و از تکنیک طیف لیکرت بهره گرفته شده بود. پس از تعیین شاخص‌های لازم در پرسشنامه اعتبار (Validity) صوری و پایایی (Reliability) آن تایید گردید.

برای سنجش اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار صوری و محتوایی از نظر صاحب‌نظران و متخصصان استفاده گردید و برای بررسی روایی گویه‌ها ضریب آلفای کرونباخ بکار بسته شد که جدول شماره ۲ نتایج مربوط به این آزمون را نشان می‌دهد.

برای بررسی عوامل ترس از جرم یعنی روابط میان ترس از جرم و دیگر متغیرهای تأثیرگذار از آزمون همبستگی استفاده شد، و برای میزان ترس از جرم و تبیین داده‌ها از آمار توصیفی میانگین استفاده گردید.

پیش از آماده شدن پرسشنامه نهایی تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت پیش آزمون (pre test) توسط پژوهشگر به صورت مصاحبه حضوری تکمیل گردید تا از روایی گویه‌ها اطمینان حاصل شود. همچنین پس از آن، برخی از گویه‌ها حذف یا تغییر داده شدند.

در این تحقیق برای سنجش ترس از جرم ۹ گویه مورد استفاده قرار گرفت. موضوعات این گویه‌ها در مورد اینکه در صورت تنها بودن در منزل در روز یا شب، بیرون رفتن از منزل در طول روز یا شب، خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز، حمل پول نقد، تردد با ماشین مسافرکش شخصی در شب، پذیرفتن خوراکی از افراد ناشناس و حضور در پارکها و مراکز تفریحی در شب چه مقدار احساس امنیت دارند؟ بود، و میزان ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵۵ تعیین گردید. بی‌سازمانی اجتماعی بوسیله ۱۰ گویه مورد سنجش قرار گرفت، که موضوعاتش شامل استفاده یا خرید فروش مواد مخدر، مستی و عربده کشی در انظار عمومی، افراد کارتن خواب، متکدیان، جوانان و نوجوانان پرسه زن، خانه‌های نیمه ساخته و مخروبه، پرت کردن زباله در پیاده روها و جوی‌ها، دیوار نبشته، آسیب رساندن به اموال عمومی، تاریکی پیاده رو و معابر بود که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۴۱ تعیین گردید. متغیر پیوند اجتماعی بوسیله ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفت و موضوعات گویه‌ها عبارت بودند از تعداد دفعاتی که افراد همسایگانشان را دیده‌اند، روابط افراد با همسایگانشان، دعوت از همسایگان،

کمک به همسایگان، رفتن به عیادت آنها، رفت و آمد با آنها، کمک خواستن از آنها، سپردن فرزندان، رفتن به مکان های تفریحی، که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۶۵ بدست آمد. تنوع خرده فرهنگی ابتدا به وسیله سه گویه مورد سنجش قرار گرفت، اما پس از پیش آزمون به دلیل مطلوب نبودن ضریب روایی گویه ها یک سوال حذف گردید و پس از آن ضریب دو گویه باقی مانده ۰/۵۱۰ تعیین گردید. نگرش به پلیس بوسیله دو گویه سنجیده شد، یکی درباره عملکرد پلیس و دیگری در مورد مثر ثمر بودن پلیس بود که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۹۱ تعیین گردید. نگرانی از وقوع جرایم بوسیله دوازده جرم شایع سنجیده شده بود، که از پاسخگویان سوال شده است که چه میزان احتمال می دهند که قربانی هر یک از جرایم دزدی، ورود به عنف به منزل، تجاوز جنسی، قتل، حمله مسلحانه، سرقت اتومبیل، آدم ربایی، مزاحمت، توهین، ضرب و شتم، کلاهبرداری شوند؟، که ضریب آلفای کرونباخ این متغییر ۰/۷۳۶ تعیین گردید. در مورد رسانه ۳ گویه طراحی شده بود که موضوعاتش درباره پیگیری اخبار بود و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۸۸ تعیین گردید.

پس از نهایی شدن پرسشنامه و انتخاب جامعه نمونه و جلب رضایت افراد نمونه توضیحاتی به افراد برای اطمینان بیشتر و عدم سوگیری در پژوهش داده شد و پرسشنامه ها بدون نوشتن نام افراد تکمیل گردید. داده های جمع آوری شده بوسیله نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۲. ضریب روایی متغیرها و شاخص های پژوهش

متغیر	تعداد گویه	ضریب روایی
ترس از جرم	۹	۰/۸۵۵
بی سازمانی اجتماعی	۱۰	۰/۹۴۱
پیوند اجتماعی	۹	۰/۹۶۵
تنوع خرده فرهنگی	۲	۰/۵۱۰
نگرش به پلیس	۲	۰/۸۹۱
نگرانی از وقوع جرایم	۱۲	۰/۷۳۶
رسانه	۳	۰/۷۸۸

۱.۴. معرفی مناطق مورد پژوهش:

از آنجایی که در این پژوهش هدف پژوهشگر مقایسه میان دو منطقه از شهر مشهد بود که می بایست از لحاظ ویژگی های بی سازمانی اجتماعی و میزان درآمد و دیگر عوامل یکی از آنها در سطح بالا و دیگری در سطح پایین تر باشد، باید دو منطقه انتخاب می گردید که

دارای این ویژگی باشند. با استفاده از نظر افراد مطلع منطقه ۴ به عنوان منطقه‌ای با سطح رفاهی نسبتاً پایین و دارای بی‌سازمانی‌های اجتماعی انتخاب شد. منطقه ۹ به عنوان منطقه-ای با سطح رفاهی بالاتر و درآمد نسبتاً بیشتر ساکنین آن انتخاب شد. که یافته‌های نگارنده و آمارهای رسمی این تناقض میان دو منطقه را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه منطقه ۴ دارای ۷۸۶/۵۶۸ متر مربع فضای سبز بود، در حالی که منطقه ۹ دارای ۱۳/۹۱۱/۲۱۱ متر مربع فضای سبز بود (همان: ۶ و ۳۰). مشاهدات عینی نگارنده در برخی از نقاط منطقه ۴ هم بی‌نظمی‌ها و آشفتگی را تأیید می‌نمود. به عنوان نمونه نظافت برخی مکان‌ها مطلوب نبود و بوی نامطبوعی در محیط استشمام می‌شد و خرید و فروش مواد مخدر به صورت علنی بوسیله معتادان انجام می‌پذیرفت. داده‌های بدست آمده در سیمای پاسخگویان هم تفاوت دو منطقه را به لحاظ متغیرهای مختلف تأثیرگذار نشان می‌دهد.

۵. یافته‌های پژوهش:

۱.۵. سیمای پاسخگویان:

از میان جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش ۵۰ درصد ساکنان منطقه ۹ و ۵۰ درصد دیگر ساکنان منطقه ۴ بودند. در میان پاسخگویان کم‌سن‌ترین فرد ۱۸ سال سن و مسن‌ترین فرد ۵۹ سال داشت. میانگین سنی افراد ۳۹/۹۱ بود. پاسخ‌گویان به سه گروه سنی تقسیم شده بودند که ۴۹/۶ درصد میان ۱۸ تا ۳۰ سال، ۳۶/۴ درصد میان ۳۱ تا ۵۰ سال و ۱۴ درصد در گروه سنی ۵۰ تا ۸۰ سال بودند. از میان پاسخگویان در مجموع ۶۱/۸ درصد افراد مجرد، ۳۶/۴ درصد متأهل و ۱/۸ درصد مطلقه بودند.

از مجموع پاسخگویان ۲۵/۹ درصد افراد زیر دیپلم، ۳۰/۷ درصد دیپلم، ۳۶/۴ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۷ درصد را افراد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر تشکیل داده بودند؛ در این میان، افرادی که در منطقه ۴ سکونت داشتند، ۴۲/۱ درصد زیر دیپلم، ۳۳/۳ درصد دیپلم، ۲۱/۱ درصد فوق دیپلم و لیسانس و تنها ۳/۵ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر بودند. پاسخگویان منطقه ۹ را ۹/۶ درصد افراد زیر دیپلم، ۲۸/۱ درصد افراد دیپلم، ۵۱/۸ درصد افراد فوق دیپلم و لیسانس و ۱۰/۵ درصد را افراد فوق لیسانس و بالاتر تشکیل می‌دادند.

وضعیت مسکن افراد نمونه این گونه بود که ۳۳/۳ درصد افراد دارای مسکن هم کف، ۲۰/۶ درصد ویلایی و ۴۶/۱ درصد افراد آپارتمان‌نشین بودند. از مجموع پاسخگویان در دو منطقه ۱۲/۷ درصد دارای خانواده دو نفره، ۲۱/۵ درصد سه نفره، ۱۹/۳ درصد چهار نفره، ۹/۲ درصد پنج نفره، ۱۴/۵ درصد شش نفره و ۲۲/۸ درصد هفت نفره و بیشتر بوده‌اند.

خانوارهای منطقه ۴، ۷/۹ درصد دو نفره، ۷ درصد سه نفره، ۱۵/۸ درصد چهار نفره، ۱۱/۴ درصد پنج نفره، ۲۰/۲ درصد شش نفره و ۳۷/۷ درصد هفت نفره و بیشتر بوده‌اند. خانوارهای منطقه ۹، ۱۷/۵ درصد دو نفره، ۳۶ درصد سه نفره، ۲۲/۸ درصد چهار نفره، ۷ درصد پنج نفره، ۸/۸ درصد شش نفره و ۷/۹ درصد هفت نفره و بیشتر بوده‌اند. در میان خانواده‌های پاسخگویان ۶۲/۷ درصد آنها یک نفر، ۲۲/۸ درصد دو نفر، ۱۳/۶ درصد سه نفر و در ۰/۹ درصد چهار نفر مشغول به کار بوده‌اند. در خانوارهای منطقه ۴، ۸۲/۵ درصد یک نفر، ۷ درصد دو نفر، ۸/۸ درصد سه نفر و ۱/۸ درصد چهار نفر مشغول به کار بوده‌اند. از میان خانوارهای منطقه ۹، ۴۳ درصد یک نفر، ۳۸/۶ درصد دو نفر و ۱۸/۴ درصد سه نفر مشغول به کار بودند.

در مجموع پاسخگویان دو منطقه ۳/۹ درصد افراد درآمدی میان ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۳۴/۴ درصد بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۳۷/۷ درصد میان ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان، ۱۰/۱ درصد بین ۱ تا ۲ میلیون تومان و ۴/۸ درصد افراد درآمدی بیش از ۲ میلیون تومان داشته‌اند. در منطقه ۴، ۷/۹ درصد افراد میان ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۷۳/۷ درصد میان ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۱۴/۹ درصد میان ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان، ۲/۶ درصد میان ۱ تا ۲ میلیون تومان و ۰/۹ درصد افراد درآمدی بیش از ۲ میلیون تومان داشته‌اند. در منطقه ۹، هیچ فردی درآمدی میان ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان نداشت، ۱۳/۲ درصد میان ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۶۰/۵ درصد میان ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان، ۱۷/۵ درصد میان ۱ تا ۲ میلیون تومان و ۸/۸ درصد افراد درآمدی بیش از ۲ میلیون تومان داشته‌اند. از مجموع پاسخگویان ۷۲/۸ درصد دارای اتومبیل بودند و ۲۷/۲ درصد اتومبیل نداشتند. که از این میان پاسخگویان در منطقه ۴، ۵۴/۴ درصد دارای اتومبیل و ۴۵/۶ درصد فاقد خودرو شخصی بودند. در منطقه ۹، ۹۱/۲ درصد دارای اتومبیل و ۸/۸ درصد فاقد خودرویی در اختیار نداشتند.

از لحاظ مدت سکونت در محله در مجموع ۱۸/۴ درصد افراد کمتر از یک سال بود که ساکن محله‌شان بودند، ۳۸/۲ درصد بین یک تا پنج سال، ۲۵/۴ درصد بین پنج تا ده سال و ۱۸ درصد افراد ده سال و بیشتر در محله ساکن بودند. در منطقه ۴، ۱۳/۲ درصد افراد کمتر از یک سال، ۳۱/۶ درصد بین یک تا پنج سال، ۲۷/۲ درصد بین پنج تا ده سال و ۲۸/۱ درصد افراد بیش از ده سال بود که در این منطقه سکونت داشتند. در منطقه ۹، ۲۳/۷ درصد افراد کمتر از یک سال، ۴۴/۷ درصد بین یک تا پنج سال، ۲۳/۷ درصد بین پنج تا ده سال و ۷/۹ درصد افراد بیش از ده سال بود که در این منطقه سکونت داشتند.

از مجموع پاسخگویان دو منطقه ۵/۳ درصد افراد از درآمد خود راضی بودند، ۳۷/۳ درصد نسبتاً راضی، ۳۲/۵ درصد ناراضی و ۲۵ درصد بسیار ناراضی بوده‌اند؛ در این میان در منطقه ۴، ۰/۹ درصد راضی، ۱۵/۸ درصد نسبتاً راضی، ۳۶/۸ درصد ناراضی و ۴۶/۵ درصد بسیار ناراضی بوده است. در منطقه ۹، ۹/۶ درصد راضی، ۵۸/۸ درصد نسبتاً راضی، ۲۸/۱ درصد ناراضی و ۳/۵ درصد از درآمد خود بسیار ناراضی بوده‌اند. از مجموع پاسخگویان دو منطقه ۵/۳ درصد افراد میزان رفاه خود را بهتر از اکثر خانواده‌ها، ۳۳/۳ درصد اندکی بهتر، ۳۰/۳ درصد کمی بدتر و ۳۱/۱ درصد خیلی بدتر از دیگر خانواده‌ها اعلام نموده‌اند؛ که در منطقه ۴، ۰/۹ درصد درآمد خود را نسبتاً بهتر از بیشتر خانواده‌ها، ۱۲/۳ درصد کمی بهتر، ۴۰/۴ درصد کمی بدتر و ۴۶/۵ درصد خیلی بدتر از بیشتر خانواده‌ها اعلام کرده‌اند. در منطقه ۹، ۹/۶ درصد پاسخگویان میزان رفاهشان را نسبتاً بهتر از بیشتر خانواده‌ها، ۵۴/۴ درصد اندکی بهتر، ۲۰/۲ درصد کمی بدتر و ۱۵/۸ درصد افراد خیلی بدتر از بیشتر خانواده‌ها اعلام نموده‌اند.

۲.۵. خلاصه یافته‌های جمعیت‌شناختی:

- در مجموع میانگین ترس از جرم در میان زنان خیلی بیشتر از مردان بود، به این صورت که میانگین ترس از جرم در میان مردان ۱.۸۸ بود، اما در میان زنان این میانگین ۲.۴۴ بود. در مورد ترس از جرایم در میان مردان به ترتیب بیشترین میزان ترس از سرقت منزل، سرقت اتومبیل، توهین، کیف قاپی، زورگیری، کلاهبرداری، آدم ربایی، ضرب و شتم، مزاحمت، قتل، حمله مسلحانه، ورود به علف و تجاوز بود. در میان زنان به ترتیب بیشترین ترس از مزاحمت، توهین، سرقت منزل، سرقت اتومبیل، تجاوز، کیف قاپی، قتل، ورود به علف، کلاهبرداری، ضرب و شتم، راهزنی، آدم ربایی و حمله مسلحانه بود.
- میان متغیر سن و ترس از جرم رابطه معناداری وجود نداشت.
- میان ترس از جرم با سطح تحصیلات پاسخگویان رابطه منفی با ضریب ۰.۲۷۳- برقرار بود، و این بدان معنا است که افرادی که سطح تحصیلی بالاتری نسبت به دیگران دارند، ترس آنها به مراتب کمتر است.
- میانگین ترس از جرم در میان افراد مجرد با ۲.۸۰ بیشتر از افراد متأهل با ۲.۴۳ بود، اما این میزان ترس افراد تفاوت زیادی نسبت به هم نداشت. افراد مطلقه با میانگین ۳.۶۷ بیشترین ترس را داشته و می‌توان گفت در مجموع ترس بالایی نسبت به پاسخگویان مجرد و متأهل داشتند.

۳.۵. بررسی میزان ترس از جرم:

در بررسی متغیر اصلی، یعنی ترس از جرم در دو منطقه، در مجموع میانگین ترس از جرم مطابق جدول شماره ۳ در منطقه ۴ بیش از منطقه ۹ بود. بدین صورت که در منطقه ۴ میانگین ترس از جرم ۲.۱۹ بود، اما در منطقه ۹ این میانگین ۲.۰۶ بود، که این مساله بیان گر ترس بیشتر افراد منطقه ۴ بود، و این موضوع با چهارچوب نظری بحث هماهنگ بود.

جدول ۳. میانگین متغیرهای پژوهش^۱

متغیر	منطقه ۴	منطقه ۹
ترس از جرم	۲.۱۹	۲.۰۶
پیوند اجتماعی	۳.۱۷	۱.۷۳
بی‌سازمانی اجتماعی	۳.۲۷	۱.۶۹
تنوع خرده فرهنگی	۳.۱۸	۲.۸۰
رسانه	۲.۳۲	۳.۰۴
پلیس	۱.۸۳	۳.۰۳

در مورد اینکه در این دو منطقه پاسخگویان از کدام جرایم ترس بیشتری داشتند؛ افراد پاسخگو در منطقه ۴ به ترتیب بیشترین ترس خود را ترس از سرقت منزل با میانگین ۳.۱۱، توهین ۳.۷، سرقت اتومبیل ۲.۹۴، مزاحمت ۲.۹۰، زورگیری ۲.۷۶، کیف قاپی ۲.۷۵، ضرب و شتم ۲.۳۹، کلاهبرداری ۲.۳۵، قتل ۲.۱۸، آدم ربایی ۲.۱۴، تجاوز ۱.۷۶، ورود به عنف ۱.۷۶ و حمله مسلحانه ۱.۶۳ اعلام نمودند. در منطقه ۹ سرقت منزل با میانگین ۳.۱۲، سرقت اتومبیل ۳.۰۵، توهین ۳.۰۵، کیف قاپی ۲.۵۵، مزاحمت ۲.۳۱، کلاهبرداری ۲.۱۳، تجاوز ۱.۹۴، قتل ۱.۸۴، ورود به عنف ۱.۷۷، زورگیری ۱.۷۲، ضرب و شتم ۱.۵۹، حمله مسلحانه ۱.۵۵ و آدم‌ربایی ۱.۴۴ به ترتیب بیشترین ترس را به خود اختصاص داده‌اند. برای توصیف متغیرهای جدول شماره ۳ از آمار توصیف میانگین استفاده شده است و برای اطمینان از روایی گویه‌ها از ضریب آلفای کرنباخ استفاده شد که در جدول شماره ۲ تعداد گویه‌ها و ضرایب آن نشان داده شده است.

درباره میزان جرایم و ترس از جرایم دو حالت وجود دارد. یکی اینکه آمار جرایم و ترس از جرایم برهم منطبق هستند، یعنی اینکه جرایمی که بیشترین میزان را از لحاظ آماری به

۱. نمره میانگین‌ها میان ۱ تا ۵ است.

خود اختصاص داده‌اند، افراد هم از آن جرایم بیشترین ترس را دارند. که این می‌تواند ناشی از اعتماد مردم به آمار ارایه شده باشد، البته این موضوع به دیگر عوامل از جمله نقش رسانه‌ها و عملکرد نهادهای کنترلی و خانواده بستگی دارد. مدل دوم اینکه آمار جرایم بر میزان ترس افراد از جرایم منطبق نیست، یعنی اینکه افراد نسبت به آمار واقعی جرایم ترسی کمتر یا بیشتر دارند. در کشور ما به دلیل عملکرد نامناسب رسانه‌ها و پراکنده گویی‌های آماری مردم اعتماد زیادی به آمار جرایم ندارند و همان طور که در این پژوهش هم می‌بینیم مطابق جدول شماره ۴ تقریباً نیمی از افراد پاسخگو در دو منطقه میزان جرایم در محله شان را زیاد و خیلی زیاد توصیف کرده‌اند.

جدول ۴. پنداشت پاسخگویان از میزان جرایم در محله شان

ردیف	میزان	منطقه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۴	۳۶	۳۱/۶
		۹	۹	۷/۹
۲	زیاد	۴	۳۵	۳۰/۷
		۹	۲۴	۲۱/۱
۳	متوسط	۴	۲۹	۲۵/۴
		۹	۴۴	۳۸/۶
۴	کم	۴	۱۴	۱۲/۳
		۹	۳۷	۳۲/۵
۵	مجموع	هر دو	۲۲۸	۲۰۰

در این دو منطقه تقریباً آمار جرایم بر میزان ترس افراد از جرایم در دو منطقه، همان طور که جدول شماره ۵ هم نشان می‌دهد منطبق بود. جرایمی که میزان بالایی را در آمار قضایی به خود اختصاص داده بودند پاسخگویان هم بیشترین ترس را از همین جرایم داشتند. اما نگارندگان این تطابق را ناشی از اعتماد مردم به آمار قضایی و آمار دیگر دستگاهها نمی‌دانند، بلکه این تطابق را ناشی از عینی بودن جرایم سرقت اتومبیل و منزل و توهین و کیف قاچی می‌دانند.

جدول ۵. مقایسه آمار جرایم قضایی و میزان ترس پاسخگویان^{۱ ۲}

۱. منبع آمار قضایی: مدیریت آمار و انفورماتیک مدیریت مرکز آمار و انفورماتیک دادگستری خراسان رضوی، آمار جرایم شش ماه اول سال ۱۳۹۱.

۲. باید متذکر شویم دادسرای شهید کامیاب مربوط به منطقه ۹ می‌باشد و دادسرای شهید هاشمی‌نژاد مربوط به منطقه ۴، اما مناطق نام برده شده در این جدول کاملاً مطابق با مناطق مورد پژوهش نیست و دادسراهای

جرم	منطقه	میزان ترس	آمار قضایی
سرقت منزل	۴	۳.۱۱	۱۵۳۷
	۹	۳.۱۲	۲۰۱۹
سرقت اتومبیل	۴	۲.۹۴	۱۵۳۷
	۹	۳.۰۵	۲۰۱۹
توهین	۴	۳.۰۷	۲۸۸۰
	۹	۳.۰۵	۱۸۲۸

۴.۵. عوامل مؤثر بر ترس از جرم در دو منطقه:

برای آزمون وجود رابطه میان متغیر ترس از جرم با دیگر متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که جدول شماره ۶ ارتباط میان متغیرها و ترس از جرم را نشان می‌دهد و در ادامه به تبیین هریک می‌پردازیم.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان متغیر ترس از جرم و دیگر متغیرها

آماره ها	بی‌سازمانی اجتماعی	رسانه	پلیس	تنوع خرده فرهنگی	پیوند اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰.۶۵۴	۰.۷۶۵	۰.۵۹۱	۰.۷۶۶	۰.۶۶۶
سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
تعداد	۲۲۸	۲۲۸	۲۲۸	۲۲۸	۲۲۸

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

همان گونه در مباحث نظری هم بدان اشاره شده بی‌سازمانی اجتماعی در افزایش ترس از جرم مؤثر است. داده‌های این پژوهش هم مهر تأییدی بر این مطلب می‌زند. مطابق جدول شماره ۶ میان ترس از جرم و بی‌سازمانی اجتماعی رابطه معناداری با ضریب ۰.۶۵۴ وجود دارد. یعنی با افزایش بی‌نظمی‌های فیزیکی در منطقه ترس از جرم هم افزایش می‌یابد؛ در مورد بی‌سازمانی‌های دو منطقه مطابق جدول شماره ۳ میانگین بی‌سازمانی در منطقه ۴ با

نام برده شده میزان بیشتری از مناطق ۹ و ۴ شهر مشهد را پوشش می‌دهد و نکته دیگر اینکه در مورد سه جرم سرقت اتومبیل، سرقت منزل و کیف قاپی، در آمار قضایی ارائه شده توسط مدیریت مرکز آمار و انفور-ماتیک دادگستری خراسان رضوی، هر سه مورد در زمره سرقت‌های تعزیری آورده شده بودند و تفکیکی صورت نپذیرفته بود.

۳.۲۷ تقریباً اندکی کمتر از دو برابر منطقه ۹ است و این متغیر بیشترین تأثیر را در افزایش ترس از جرم داشت.

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان ترس از جرم و تنوع فرهنگی رابطه معناداری با ضریب ۰.۷۶۶ وجود داشت (جدول شماره ۶). یعنی اینکه با افزایش تنوع فرهنگی در منطقه ترس از جرم هم افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. درباره تنوع خرده فرهنگی دو منطقه در مجموع می‌توان گفت، با توجه به میانگین ۳.۱۸ در منطقه ۴ و میانگین ۲.۸۰ در منطقه ۹، تنوع فرهنگی در هر دو منطقه بالا بود. دلیل این بالا بودن در منطقه ۴ را این گونه می‌توان توجیه کرد که به دلیل قیمت پایین مسکن در این منطقه اکثر مهاجران از دیگر شهرها در ابتدای ورود به شهر مشهد در این منطقه و مانند این زندگی می‌کنند؛ و دلیل اینکه تنوع خرده فرهنگی در منطقه ۹ بالا است، این است که این منطقه نسبت به دیگر مناطق شهر مشهد نسبتاً تازه تأسیس است و افراد زیادی از دیگر مناطق به این منطقه آمده‌اند.

مطابق با جدول شماره ۶ و ضریب همبستگی پیرسون میان ترس از جرم و پیوند محله-ای رابطه معنادار مثبتی با ضریب ۰.۶۶۶ وجود دارد. به این معنا که با افزایش پیوند محله‌ای و روابط اجتماعی ترس از جرم کاهش پیدا می‌کند. اما همان طور که جدول شماره ۶ هم می‌بینیم با توجه به میانگین پیوند اجتماعی در دو محله که در منطقه ۴، ۳.۱۷ و در منطقه ۹، ۱.۷۳ بود؛ و با توجه به اینکه ترس از جرم در میان افراد منطقه ۴ بیش از منطقه ۹ بود، این متغیر بر خلاف چهارچوب نظری مطرح شده بود، و این تئوری که با افزایش پیوند اجتماعی ترس از جرم در افراد کاهش می‌یابد در این پژوهش رد شد. شاید بتوان دلیل این کم بودن میزان پیوند در منطقه ۹ نسبت به منطقه ۴ را عوامل متعددی از جمله: صنعتی شدن و افزایش روابط الکترونیکی و افزایش ارزشهای فردگرایانه دانست. از سوی دیگر شاید بتوان علت عمیق بودن روابط اجتماعی در منطقه ۴ نسبت به منطقه ۹ سنتی بودن بافت این منطقه دانست.

در مجموع با توجه به ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۶ میان ترس از جرم و میزان پیگیری اخبار رابطه معناداری با ضریب ۰.۷۶۵ وجود داشت، یعنی اینکه با افزایش میزان استفاده افراد از رسانه‌ها و پیگیری اخبار حوادث آنها ترس بیشتری از جرایم دارند. در مورد اینکه پاسخگویان بیشتر چه جرایمی را دنبال می‌کنند، در مجموع در دو منطقه افراد بیشترین علاقه را به ترتیب برای دنبال کردن حوادث در رسانه‌ها به مسایل طلاق و مسایل خانوادگی با ۲۲/۴ درصد، قتل ۱۸/۹ درصد، زورگیری ۱۸/۴ درصد، درگیری ۱۵/۸ درصد، آدم‌ربایی ۱۴/۵ درصد، مالی و اقتصادی ۶/۱ درصد و سرقت ۱/۳ درصد، البته ۲/۶ درصد

افراد هم اعلام نموده بودند که برای آنها فرقی نمی‌کند چه حادثی را دنبال نمایند. همان گونه که در جدول شماره ۳ می‌بینیم، در منطقه ۹ میانگین پیگیری اخبار ۳۰۴ بود و در حالی که این میانگین در منطقه ۴، ۲۳۲ بود. در مجموع این فرضیه که افرادی که اخبار حوادث را بیشتر پیگیری می‌کنند، ترس بیشتری دارند، در این پژوهش تأیید نگردید.

مطابق با جدول شماره ۶ میان ترس از جرم و نقش پلیس در میان مردم همان گونه که در این جدول می‌بینیم رابطه معناداری با میزان ۵۹۱، و سطح معناداری ۰۰۰ بود؛ این بدان معناست که هرچه افراد نقش پلیس را در زندگی پررنگ‌تر احساس نمایند و از پلیس رضایت بیشتری داشته باشند، ترس آنها از جرایم کمتر خواهد بود و میزان امنیت بیشتری خواهند داشت و بالعکس با کاهش نقش پلیس میزان امنیت افراد هم کاهش پیدا می‌نماید. با توجه به میانگین بدست آمده در دو منطقه که مطابق جدول شماره ۳ در منطقه ۴ میزان آن ۱۸۳ بود و در منطقه ۹ این میزان ۳۰۳ بود، میزان رضایت افراد از عملکرد پلیس در منطقه ۴ بسیار پایین بود، اما این میزان در منطقه ۹ در حد مطلوبی بود و می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که یکی از عوامل ترس از جرم افراد در منطقه ۴ عدم رضایت افراد از عملکرد پلیس بوده و شاید بتوان این گونه نتیجه‌گیری کرد که رابطه پلیس با افراد در این منطقه نسبت به منطقه ۹ بسیار کم است یا اینکه پلیس با افراد این منطقه رفتار مطلوبی نداشته است.

۵.۵. بزه‌دیدگان مکرر و ترس از جرم :

همان‌گونه که در مباحث نظری هم بدان اشاره گردید، با توجه به پژوهش‌هایی که در دیگر کشورها صورت پذیرفته است، تئوری نظری که در این زمینه وجود دارد این است که بزه-دیدگان مکرر نسبت به دیگر بزه‌دیدگان و کسانی که قربانی جرایم نشده‌اند ترس بیشتری از جرایم دارند. در مجموع از میان ۲۲۸ نفر جامعه نمونه این پژوهش ۱۰۳ نفر معادل ۴۵/۲ درصد اعلام نموده‌اند که تا کنون قربانی جرایم شده‌اند. از مجموع افرادی که اعلام کرده بودند که تا به حال قربانی جرایم شده بودند، ۵۷/۳ درصد اعلام نموده بودند که تنها یک مرتبه بزه‌دیده جرم شده‌اند، ۳۴ درصد گفته بودند ۲ مرتبه، ۷/۸ درصد ۳ مرتبه و تنها یک درصد اعلام نموده بودند که ۴ مرتبه قربانی جرایم مختلف شده‌اند. با مقایسه میانگین میان ترس از جرم در افرادی که بزه‌دیده مکرر بودند با دیگر افراد پاسخگوی جامعه نمونه، ترس بزه‌دیدگان مکرر با میانگین ۲.۵۷ بیشتر از دیگر افراد جامعه نمونه با میانگین ۲.۵۲ بود، البته باید توجه کنیم که این تفاوت ترس از جرم در میان بزه‌دیدگان مکرر با دیگر افراد تفاوت زیادی نداشت. شاید بتوان گفت بزه‌دیدگان مکرر به دلیل اینکه چندین مرتبه قربانی

جرایم شده‌اند از وسایل دفاعی بیشتری برای جلوگیری از بزه‌دیده واقع شدن استفاده می‌نمایند و به همین دلیل ترس آنها نسبت به دیگر افراد خیلی بیشتر نیست.

۶. نتیجه‌گیری:

این پژوهش در مجموع کوششی بود تا اینکه با استفاده از نظریات صاحب نظران در حیطه ترس از جرم به بررسی پیمایشی این پدیده در کشورمان بپردازیم. در این پژوهش دو منطقه ۴ و ۹ از شهر مشهد را که از لحاظ موقعیتی و جغرافیایی و دیگر عوامل موثر در حیطه نظری ترس از جرم متفاوت بودند انتخاب نمودیم.

در مجموع و با توجه به داده‌های ارائه شده در این پژوهش، عدم توازن میان خانوارهای دو منطقه از لحاظ درآمد و دیگر متغیرهای جمعیت شناختی موثر در ترس از جرم مشاهده می‌شود.

همچنین با توجه به بررسی‌هایی که در مباحث نظری نمودیم، از مهم‌ترین نتایج دیگری که در این پژوهش به آن دست پیدا کردیم این بود که:

✓ در مجموع میانگین ترس از جرم در منطقه ۴ بیش از منطقه ۹ بود، که این مساله با مباحث نظری هم هماهنگ بود.

✓ در مقایسه آمار قضایی جرایم و ترس افراد از جرایم بر حسب نوع آن، آمار قضایی بر ترس افراد از جرایم منطبق بود. بدین معنا که در آمارهای قضایی ارائه شده از دو منطقه سرقت اتومبیل، سرقت منزل و توهین بیشترین میزان را داشتند، و ترس افراد هم بیشتر از همین جرایم بود.

البته از منظر نگارندگان ایرادی که به تمامی پیمایش‌هایی که در مبحث ترس از جرم انجام شده و می‌شود وارد است، این مورد است که چگونه ثابت نماییم که ترس سنجیده شده بسیار زیاد است، یا اینکه خیلی بیشتر از میزان خطر واقعی جرایم است. هیچ یک از کشورهای دنیا در این زمینه تاکنون هیچ معیار و محک سنجشی ارائه نداده‌اند و تنها می‌توان بوسیله مقایسه افراد، مناطق، یا شهرها با یکدیگر، به کم یا زیاد بودن ترس از جرم دست یافت.

- در توزیع فراوانی میانگین متغیر بی‌سازمانی اجتماعی، منطقه ۴ از بی‌سازمانی بسیار بالا نسبت به منطقه ۹ بود، و این متغیر با توجه به میانگین اشاره شده نسبت به دیگر متغیرها بیشترین تأثیر را بر ترس از جرم در این منطقه داشت.

- درباره توزیع فراوانی میانگین تنوع خرده فرهنگی، هر دو منطقه تقریباً میانگین بالایی داشتند، که علت این تنوع در منطقه ۴ را می‌توان قیمت پایین مسکن در این منطقه و مهاجرپذیر بودن آن؛ و منطقه ۹ به دلیل تازه تأسیس بودن این منطقه دانست.

- میانگین متغیر پیوند اجتماعی در میان ساکنان منطقه ۴ خیلی بیشتر از افراد منطقه ۹ بود و این نشان از پیوند اجتماعی قوی میان افراد این منطقه بود؛ این میانگین در میان ساکنان منطقه ۹ بسیار پایین بود و نشان از پیوند اجتماعی پایین در این منطقه بود. این قسمت عکس مباحث نظریات ارایه شده بود و همچنین با دیگر تحقیقات در کشورهای دیگر هم خوانی نداشت.

- در مورد پیگیری اخبار حوادث رسانه‌ها هم میانگین این متغیر در منطقه ۹ بیش از منطقه ۴ بود، بدین معنا که افراد منطقه ۹ اخبار حوادث را بیشتر دنبال می‌کردند. که این برخلاف نظریات ارائه شده بود.

- در مورد نقش پلیس در این دو منطقه میانگین منطقه ۹ بیش از منطقه ۴ بود، یعنی اینکه افراد منطقه ۹ رضایت بیشتری نسبت به افراد منطقه ۴ از عملکرد پلیس در منطقه شان داشتند.

- درباره بزه‌دیدگان مکرر، ترس آنها نسبت به دیگر پاسخگویان تفاوت فراوانی نداشت و شاید بتوان علت آن را ناشی از تمهیدات ایمنی دانست که آنها به خاطر بزه‌دیدگی‌های قبلی خود به کار می‌بندند، تا بلکه مجدداً بزه‌دیده واقع نشوند.

پیشنهادها با توجه به داده‌های پژوهش:

قبل از ارائه پیشنهادات باید بگوییم که بررسی ترس از جرم نمی‌تواند به عنوان پژوهشی مقطعی و گذرا مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد و باید این پژوهش‌ها همواره ادامه داشته باشد و مورد تجزیه تحلیل و پیگیری قرار گیرد.

با توجه به داده‌های بدست آمده از این پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به بالا بودن میزان جرایم در دو منطقه و بالا بودن سطح ترس از جرم در منطقه ۴، باید از یک برنامه پیشگیری موثر و کارآمد استفاده نماییم و در این راه از تمامی ظرفیتهای جامعه مدنی و پاسخ‌های جامعه‌ی کمک بگیریم.

۲. دولت و مدیران دولتی باید طرح‌هایی در راستای فقرزدایی و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مناطق کم برخوردارمانند منطقه ۴ مورد پژوهش در این تحقیق اجرا نمایند.

۳. با توجه به اینکه بیشترین میانگین ترس از جرم مربوط به بی‌سازمانی اجتماعی در منطقه ۴ بود، دادگستری، شهرداری‌ها، مدیران شهری و سایر سازمان‌ها و نهادهای متولی، باید تمرکزشان به مسایل خرد متمرکز نمایند. به عنوان مثال شهرداری باید در نظافت

منطقه تلاش بیشتری نماید، و دیگر اینکه با دستفروشان، کارتن خواب‌ها و متکدیان برخوردارهای جدی تری صورت پذیرد؛ و همچنین توجه به رویکرد CEPTED یا همان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و بهبود فضاهای شهری یکی دیگر از برنامه‌های این مدیران باید باشد، چرا که طراحی مناسب و کاربری موثر از فضا و محیط ساخته شده منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌گردد.

۴. وجود گشت‌های منظم پلیس در مناطق پرخطری مانند منطقه ۴ مورد پژوهش ما می‌تواند بر کاهش ترس از جرم اثرات مثبتی داشته باشد، اما مردم منطقه تنها با رؤیت پلیس احساس امنیت نمی‌کنند، بلکه پلیس باید تعامل خود را با مردم افزایش دهد و به نوعی یک احساس اعتماد در آنها به وجود آورد، چیزی که امروزه از آن به نام پلیس اجتماع محور یاد می‌شود. یک موضوع مهم دیگر درباره نقش پلیس در کاهش ترس از جرم اینکه برنامه‌های ترس از جرم باید در راس برنامه‌های سازمان‌های پلیسی قرار گیرد و از همان ابتدای ورود افراد به سازمان پلیس برای انجام وظیفه در این شغل کلیدی و مهم، آموزش‌های لازم به افسران در مورد ترس از جرم و عملکرد پلیس داده شود. هم چنین پلیس هر محله می‌تواند هر چند وقت یک بار از طریق تحقیقات و جلسات اجتماع محور با مردم آن منطقه، و پاسخ‌گویی به سوالات مردم حس اعتماد را در میان مردم آن منطقه نسبت به خودشان ایجاد نماید.

۵. در این پژوهش به دلیل محدودیت‌هایی که وجود داشت، تنها دو منطقه از شهر مشهد مورد بررسی قرار گرفت؛ با توجه به کم بودن تحقیقات میدانی در حیطه ترس از جرم و نوپا بودن این بحث در کشورمان، پیشنهاد می‌گردد تا تحقیقات میدانی بیشتری با روش‌های کمی و کیفی مختلف صورت پذیرد، تا اینکه داعیه نظری این بحث در کشورمان از اعتبار بیشتری برخوردار گردد و عوامل موثر بر ترس جرم بصورت شفاف‌تری مشخص گردند.

۷. منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. احمدی، حبیب و دیگران (۱۳۸۸)، «ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز»، فصلنامه علمی و پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، ۳۴ (۲)، صص ۸۰-۶۵.
۲. افشانی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۸)، مرجع کاربردی SPSS 17، چاپ اول، تهران: انتشارات پیشه.

۳. اس له، پل و لمی شو، استنلی (۱۳۸۱)، **نمونه‌گیری: روشها و آمارها**، ترجمه گیتی مختاری امیر مجدی، چاپ یکم، تهران: انتشارات پژوهشکده آمار.
۴. اسماعیلیان، مهدی (۱۳۸۴)، **راهنمای جامع spss 12**، چاپ دوم، تهران: نشر ناقوس.
۵. پاکنهاد، امیر (۱۳۹۲)، احساس ناامنی و ترس از جرم، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۵، صص ۱۵۵-۱۸۰.
۶. پرفیت، آلن (۱۳۷۸)، **پاسخ‌هایی به خشونت**، چاپ اول، تهران: نشر گنج دانش.
۷. جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۱)، **رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۸. دادخدایی، لیلی (۱۳۸۸)، «تعمیر پنجره‌های شکسته - دستاورد جنبش بازگشت به کیفر در آمریکا»، **ماهنامه حقوقی قضاوت**، شماره ۵۹، صص ۴۷-۵۰.
۹. دزرگر، محمود (۱۳۸۴)، **راهنمای جامع spss 13**، چاپ اول، تهران: نشر بهینه.
۱۰. ربانی خوراسگانی، رسول و همتی، رضا (۱۳۸۸)، «تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم: مطالعه موردی شهروندان زنجان»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، صص ۸۸-۵۸.
۱۱. سلرز، کریستین و آکرز رونالد (۱۳۹۰)، «نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار»، ترجمه بهروز جوانمرد، **مجله تعالی حقوق**، شماره ۱۲، ۱۰۵-۱۴۷.
۱۲. سیدزاده ثانی، سید مهدی (۱۳۸۷)، «ترس از بزه‌دیدگی مکرر»، در **مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم: پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی**، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، صص ۳۸۸-۳۵۵.
۱۳. صادقی فسایی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (۱۳۸۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان»، **فصلنامه علمی و پژوهشی نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۶، صص ۱۵۲-۱۲۵.
۱۴. صدیق سروستانی، رحمت‌اله و نیمروزی، نوروز (۱۳۸۹)، «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات مشهد»، **فصلنامه دانش انتظامی**، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۲۲۰-۱۸۵.
۱۵. علیخواه، فردین و ربیعی، مریم (۱۳۸۵)، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، **فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۲۲، صص ۱۳۱-۱۰۹.
۱۶. فرجیها، محمد (۱۳۸۵)، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۸۶-۵۷.
۱۷. مالمیر، مهدی (۱۳۸۸)، «مروری بر نظریه‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی پیشگیری از جرم بر اساس تقسیم‌بندی ون ویک و دوارد»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره یازدهم، صص ۱۷۰-۱۴۹.

۱۸. محمودی جانکی، فیروز و مرادی حسن آبادی، محسن (۱۳۹۰)، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، **مجله مطالعات حقوقی**، دوره سوم، شماره دو، صص ۲۱۴-۱۷۵.
۱۹. منفرد، محبوبه و دربندی فراهانی، الهام (۱۳۹۰)، **راهنمای طراحی نظام آمار عدالت کیفری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲۰. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد (۱۳۹۰)، **آمارنامه شهر مشهد**.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، «بزه کاری، احساس ناامنی و کنترل»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۲۲، صص ۸۴-۴۳.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، **تقریرات مباحثی در علوم جنایی (جامعه‌شناسی جنایی)**، کارشناسی ارشد، صص ۷۵-۷۴.
۲۳. ویزبرد، دیوید و ایک، جان (۱۳۸۸)، «پلیس چگونه می‌تواند جرم، بی‌نظمی و ترس را کاهش دهد؟»، ترجمه علی کریمی خوزانی، **دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس**، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۶۳-۱۲۵.
۲۴. یوسفی، علی؛ نوغالی، محسن و حجازی، مهلا (۱۳۸۸)، «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره دهم، شماره یک، صص ۱۶۱-۱۳۸.

ب. خارجی:

1. A Report Commissioned by the National Crime Council (2009), **Fear of Crime in Ireland and Its Impact on Quality of Life**, Department of Justice, Equality and Law Reform.
2. Beaulieu, Marie, & Leclerc, Nancy, & Dubé, Micheline (2004), Fear of Crime Among the Elderly: An Analysis of Mental Health Issues, **Journal of Gerontological Social Work**, Chapter 8, Vol 40, No 4, pp 121-138.
3. Corder, Gary (2010), **Reducing Fear of Crime Strategies for Police**, U.S. Department of Justice.
4. De Donder, Liesbeth; Buffel, Tine; Verte, Dominique; Dury, Sarah; Witte, Nicode (2009), Feelings of Insecurity in Context: Theoretical Perspectives for Studying Fear of Crime in Late Life, **International Journal of Economics and Finance**, Vol 1, No 1, pp 1-20.
5. Doran j. Bruce, Burgess B, Melissa (2012), **Putting Fear of Crime on the Map**, Springer New York Dordrecht Heidelberg London.
6. Eitle, D., & Taylor, J. (2008). **Are Hispanics the New 'Threat'? Minority Group Threat and Fear of Crime in Miami-Dade County**. **Social Science Research**, Vol 37, No 1, pp 102-115.
7. Gialopsos. A. Brooke (2011), For Whom the School Bell Tolls: Explaining Students' **Fear of Crime and Perceptions of Risk, in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctorate of Philosophy (ph.d)**, Graduate School of the University of Cincinnati.
8. Gray, Emily, Jackson, Jonathan and Farrall, Stephen (2008), Reassessing the Fear of Crime, **European Journal of Criminology**, Vol 5, pp 363-380.

9. Hartman, Clark (2011), **Factors Influencing the Fear of Victimization**, Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements, for the Degree of Master of Science in the Criminal Justice, Youngstown State University.
10. Howard, John (1999), **Fear of Crime, Society of Alberta**, publisher: Calgary.
11. Jordan, K.I., & Gabbidon, S.I. (2010), Race/Ethnicity and Perceptions of Safety among a National Sample of Americans. **Journal Criminal Justice Review**, vol 35, No.3, pp 281-294.
12. Kifer, M, Misty (2004), **Fear of Crime: How Safe Do Idahoans Feel?**, **Idaho State Police Statistical Analysis Center**.
13. Liska, A.E., Sanchirico, A., & Reed, M.D (1988). "Fear of Crime and Constrained Behavior Specifying and Estimating a Reciprocal Effects Model", **Social Forces**, vol 66, No.3, pp 827-837.
14. Policy Unit Age Concern England (2003), **Survey of Fear of Street Crime Amongst Older People**.
15. Toseland, R.W (1982), Fear of Crime: Who Is Most Vulnerable, **Journal of Criminal Justice**, Vol 10, Issue 4. pp 271-282.
16. Will, J.A., & Mcgrath, J.H (1995). Crime, Neighborhood Perceptions, and the Underclass: the Relationship between Fear of Crime and Class Position. **Journal of Criminal Justice**, Vol 23, Issue 2. pp 163-176.

ج. پایگاه‌های اینترنتی:

1. <http://lawtest.ir>